

کوبر شهداد کرمان، بخش غربی کویر لوت است. این کویر حدود ۲۴ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و یکی از زیباترین جلوه‌های طبیعی، یعنی کلوت‌ها را در خود جاداده است. اینجا به‌عنوان یکی از گرم‌ترین مکان‌های کره زمین ثبت شده و دمایش در سایه به ۶۷ درجه هم رسیده است. به همین دلیل این روزهای زمستانی بهترین زمان برای سفر به کویر به حساب می‌آید.

### گرم‌ترین مکان کره زمین



کویر لوت

## گزارش «شهروند» از نابسامانی‌های جاذبه طبیعی کویر ایران

# لوت پس از جهانی شدن تنها ماند



عکس‌نمایی شهری حسنی/شهروند

**اسما پور زنگی آبادی** صدای زنگ کاروانیان که خاموش شد، آخرین کلنگ باستان‌شناسان که بر زمین گذاشته شد، باغ‌های یرتقال و مزارع و سسمه و حنا و نخل‌های خرما هنوز بوی زندگی می‌داد. از آن همه کاروان و آن همه بازرگان نه نامی و نه نشانی، ولی زندگی هنوز جاری بود و مردان و زنان بر ساحل بیابان نشسته بودند؛ به طوفان و خشکی درس زندگی می‌داند؛ کشاورزی می‌کردند، بیخ‌گوش بیابان، خرما می‌کاشتند، یرتقال، سیر، حنا،وسمه و یونجه و گاهی هم‌قالی می‌یافتند، روزگار بد نبود تا که آسمان بر سر سیرج، بر سر شهداد و بر سر گلیف فروافتاد. زمین لرزید؛ خانه، قلعه، ارگ و طاق بر سر بازار فروریخت. در سحر گاه یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۶۰ زلزله در چشم بر هم زنی زندگی این مردمان را زیر و رو کرد، «رادیو گفته بود سیرج و شهداد با زلزله هفت و سدهم ریشتری با خاک یکسان شدند و تلویزیون تصاویری هوایی از شهداد و سیرج پخش کرده بود که جز درخت، چیزی دیده نمی‌شد. شهداد و سیرج تلویزیون نداشتند.» جنازه‌ها که در خاک آرمید، آوارها که بار کامیون شدند، روی محوطه باستانی و روی جای خواب درفش ۶هزار ساله شهداد را که طوفان شن پوشاند، زندگی کمرمق شد یعنی مزرعه‌های حنا کم‌کم بی‌رنگ‌شد، یرتقال‌ها خشکید. نخل‌ها سوخت. باغ‌های نیمه‌سوخته با چینه‌های فروریخته رها و زندگی خوب بی‌رمق شد. و حالا، شهداد بود که دیگر آن شههادِ پیش از آن نبود؛ نه میاهوی باستان‌شناسان از شهر باستانی و نه صدای پای کاروانیان و نه برویایی کشاورزان، و چشمه‌های اقتصاد خشکیدو چشمه‌اشک‌ها جاری. «بعد

از زلزله، کشاورزی شهداد دیگه جای خودش رو نگرفت»، جمله‌ای آشنا بین اهالی شهداد. کو نشان آن شهداد که: «از دور، یکبارچه باغ خرماست. نخلستان‌های چسبیده به هم، کوچه‌های باریک با دیوارهای بلند باغ‌ها و نهرهایی روان در آن، مناظر زیبا و چشم‌نواز است.» بعد از زلزله، باران نیامد و قنات‌ها هم درست نشدند. دهه ۶۰ به بعد بود که بیکاری آمد و فقر با خودش آورد، ولی کسی از آنها که باید، صدای پای فقر و بیکاری شهدادی‌ها را نشنید. مزرعه‌ها و باغ‌ها خشک شد و آنگاه ماندن برای شهدادی‌هایی معنی شد. همسایه‌های کویر می‌دانستند که باخته‌اند؛ چاره چه بود؟ ماندن در رنج یا رفتن باندوه؟ بسیاری دومی را انتخاب کردند و راهی کرمان شدند. اغلب به کارگری، رانندگی، به حاشیه‌نشینی، به غربت و به فقر پناه آوردند. فقر شهری‌شده شهداد دیگر آن شهداد پیش از آن نبود. «عبدالله» چرا شهداد نمودنی؟ در دل زیاد دارد: «بیکار بودم. کشاورزی بعد از زلزله دیگه جای خودش رو نگرفت. کار خونه‌ای هم نبود. کار خونه شیره خرما در شهداد داشتیم که تعطیل شد. نثویان‌سازی قرار بود زده بشه، دو تا آسیاب‌برای خردن کردن چوب‌ها آوردن و دیگه جمع‌شند. کارتن‌سازی هم در حد به تابلو موند. جوون‌های شهداد بیکار موندن. موندن دیگه فایده نداشت. اومدم کرمون کارگری.» شهداد فراموش شده بود و مهاجرت‌ها روز افزون که دوباره زنگ

زندگی به صدا در آمد. بیابان لوت این بار به داد زندگی رسیده بود؛ عالمی سحرانگیز، سرشار از رازهای گشوده و رازهای سر به‌مُهر، با کلوت‌ها، با گندم‌بریان، با رودشور و گللان‌های شنی و تپه‌های ستارهای، با طوفان‌هایش، آسمان و ستاره‌هایش و سکوت‌وهم‌انگیزی.

لوت ثبت جهانی که شد، دوباره د کمه میکروفن‌ها زده شد و مدام از لوت و از شهداد و از رونق، حرف‌ها گفته شد و در این حرف‌ها، کشاورزی به حاشیه‌رفته منزوی‌تر شد، اما لوت و گردشگری به سر خط خبرها آمد. رزم‌حسینی، استاندار وقت کرمان این گونه درباره لوت سخنرانی کرده بود: «بیابان لوت متعلق به همه جهانیان است و برنامه‌ریزی مدیریت‌شده‌ای برای گردشگران داخلی و خارجی برای بازدید از بیابان لوت و کلوت‌های شهداد تنظیم شده است.» خبر که به لوت رسید، آبادی‌های کنار‌هایش، پس از سه دهه کود و سکون، دوباره سر به راه زندگی برداشتند. شهداد سر به راه زندگی برداشت؟ «شهر خاموشه، مردم دلسردن. نخلستان‌ها خشک شدن. هر چی نخل هست قدیمیه. نخل‌ها جایگزین نشدن. دیگه

خرمایی نمونه. یرتقال؟ باید از کرمون بخیریم، چه یرتقال‌هایی داشت شهداد. یادوتنه؟ تموم شد. جوونا همه رفتن. پیرترها موندن و اونا که کار مندن. واسه چی بمونن؟ حتی امکانات ۱۰سال پیش رو هم نداریم. مردم دلسرد و دلزده‌ان. شهر خاموشه. چرا بمونن؟ اینها را عزت‌الله می‌گوید. او اهالی شهداد است؛ شهری در مرکز بخش شهداد و یکی از مهم‌ترین شهرهای شهرستان کرمان.در حاشیه بیابان جهانی لوت. «خیلی از مردم که اصلا نمی‌دونن ثبت جهانی چیه؟

ثبت جهانی واسه روستایی‌ها نسبتا خوبه. گردشگرا میان توی روستاها، ولی شهر شهداد محرومه؛ از همه چی. شهری که به‌سختی می‌تونین به نونوایی اونجا پیدا کنین، خاموشه. خاموش. آمد و رفت هست ولی چیزی از این آمد و رفت‌ها

نصبی مردم شهداد نشده.»

تیرماه ۱۳۹۵ خورشیدی بود که یونسکو، لوت را، نخستین اثر طبیعی ایران را در پناه حمایت‌های خودش گرفت؛ به دلیل مشخصات خاص جغرافیایی لوت. بلندترین‌ها: تپه‌های ماسه‌ای ۴۷۵ متری، کلوت‌های ۱۵۵ متری، نیکاهای ۱۲ متری و گرمای بیش از ۷۰ درجه گندم‌بریان و به دلیل رود شور و شگفتی‌هایش. حاکمی، رئیس گروه باستان‌شناسی شهداد در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی درباره لوت نوشته است: «روی سفال‌های قرمز رنگ مکشوفه در محوطه باستانی شهداد، تعداد قابل توجهی علامت و خطوط نشانه‌ای وجود دارد. کلمات تصویری مکشوفه در خبیص، مرحله تازه‌ای را درباره پیدایش خطوط ابتدایی اقوام قبل از تاریخ نواحی شرق ایران می‌گشاید و موقعیت و اهمیت ممتازی را برای خبیص دوران قبل از تاریخ به وجود می‌آورد؛ استفاده از خط و علایم مشخصه در آن عصر، مربوط به اقوامی بود که لحاظ روابط اقتصادی و سیاسی بالاتر از دیگر اقوام قرار داشتند.» لوت حدود ۱۷۵ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد.

پهن شدن بیه سه استان؛ کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، بیشترین سهم شگفتی‌های کشف‌شده‌اش در حوالی شهداد کرمان است. لوت که ثبت جهانی شد، امیدها در شهداد همان قدر زنده شد که در سیستان، که در خراسان و همه در کرمان از گردشگری لوت گفتند. و حالا سه‌سال گذشته است: «ها در لوت زیر ساخت نداریم و در این شرایط، وقتی برای گردشگری آن تبلیغ کنیم منطقه نابود می‌شود. به‌شدت هم نگرانیم ولی چه کاری می‌تونیم انجام دهیم وقتی نه زیرساخت در لوت داریم، نه حمایت می‌شویم؟ متأسفانه، میراث فرهنگی به میراث طبیعی توجه نمی‌کند، چون تجربه نگهداری میراث طبیعی را تاکنون در کشور نداشته‌ایم. بیشتر به میراث فرهنگی رسیدگی می‌کنند پایگاه مادر استان کرمان فقط با سه نیرو و اداره می‌شود. با این امکانات چه کاری از دست‌ما ساخته است؟ ما هنوز حتی یگان حفاظت لوت را نتوانسته‌ایم تشکیل بدهیم. چندین بار تاکنون برای تشکیل یگان حفاظت نامه‌نگاری کرده‌ایم ولی متأسفانه به آن توجهی نشده است. خب، با این وضع چرا تبلیغات کنیم و توسعه گردشگری داشته باشیم که منطقه نابودشود؟» اینها را د کتر مهران مقصودی، مدیر پایگاه ملی میراث جهانی بیابان لوت می‌گوید. چشم‌همه نگران؛ دل‌ها هم.

عباس تقی‌زاده، روزنامه‌نگار اهل شهداد در سال‌های گذشته فراوان برای شهداد و لوت؛ زحمت کشیده تا مشکلات این منطقه کم شود. او حالا از نبود بدیهیات گلایه‌مند است: «ما هنوز نقشه راهی برای گردشگری بیابان لوت نداریم. هر نقشه‌ای که بخواهد طراحی شود باید در آن، هر سه استان همسایه را با هم دید چون منافع به هم پیوسته‌ای دارند ولی اکنون می‌بینیم ارتباطات لازم بین این سه استان به‌معنای واقعی شکل نگرفته است.»

تقی‌زاده ی‌سآآوری می‌کند: «ز زمانی که لوت ثبت جهانی شده اینکه بیابان چه ویژگی‌هایی دارد و ثبت جهانی یعنی چه و پیوند آن با زندگی مردم چیست و چه باید باشد، حتی برای مردم محلی توضیح داده نشده است، در حالی که یکی از کارهای مهم آموزش‌های مستمر به مردم محلی است. مردم بسیاری در حاشیه لوت زندگی می‌کنند. لوت زمانی محل عبور و مرور کاروانیان تجاری بوده و حتی اشیای تاریخی مربوط به هزاره سوم و چهارم قبل از میلاد در محوطه باستانی شهداد کشف شده است که درفش شهداد معروف‌ترین آن است. آثار تاریخی بسیاری در مناطق حاشیه لوت وجود دارد که همه این ظرفیت‌ها باید معرفی و به آن رسیدگی شود، درحالی که تاکنون درصد کمی از ظرفیت‌ها معرفی شده است. البته همین جا بگویم منظورم این نیست که منطقه باید پر از گردشگر شود بلکه همه اقدامات باید طبق برنامه و حساب‌شده باشد.» او که یک‌سال است مدیر روابط عمومی استانداری کرمان شده، هشدار می‌دهد: «درصد زیادی از مردم منطقه تحت پوشش نهاد‌های حمایتی هستند. این وضعیت با داشته‌های منطقه همخوانی ندارد.»

در این سه‌سال که لوت ثبت جهانی شده؛ در استان کرمان، وقتی حرفی از این اتفاق زده می‌شود، مقامات مغرور و مفتخر به شکل گیری ۴۰ اقامت‌گاه بوم‌گردی در حاشیه لوت اشاره می‌کنند و آن را دستاورد دطلایی‌شان می‌خوانند و بهانه‌اش: «در راستای رونق گردشگری.» تقی‌زاده اما

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، ظروف چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

نگران است که این «توسعه بی‌رویه» به ضد خود تبدیل شود؛ «در حوزه گردشگری وقتی لوت ثبت جهانی و معرفی شد، تبلیغات زیادی صورت گرفت، در حالی که زیرساخت‌های گردشگری در منطقه فراهم نبود. این اتفاق منجر به سرمایه‌گذاری‌های پواییمایی ماهان در شهداد و توسعه بوم‌گردی‌ها در اغلب مناطق حاشیه لوت شد، ولی افزایش بی‌رویه بوم‌گردی‌ها می‌تواند آسیب‌زا باشد. این مراکز نیاز به آموزش دارند و باید سازماندهی شوند. بوم‌گردی‌ها مسائل مختلفی دارند، ولی هنوز تشکل خاصی ندارند و پیشنهاد من این است که انجمن صنفی بوم‌گردی در هر منطقه‌ای که نیاز است شکل بگیرد.» به گفته تقی‌زاده، متناسب با ظرفیت‌ها و جاذبه‌هایی که در منطقه وجود دارد، زیرساخت‌های گردشگری شکل نگرفته و تمام تمرکز بر بوم‌گردی‌هاست، در صورتی که در کنار بوم‌گردی به مراکز درمانی و بهداشتی و هتل و دیگر امکانات هم نیاز است. باور تقی‌زاده این است که تاکنون نگاه‌ها به لوت و مسائل آن، کوتاه‌مدت و مقطعی و کلیشه‌ای بوده است: «پایگاه

ثبت جهانی لوت تلاش زیادی در

منطقه می‌کند، ولی نیاز است قدرت اجرایی کنار آن و همچنین همکاری بین پایگاه و میراث و طبیعت گرد‌ها و آژانس‌ها و دیگر دستگاه‌های مسئول شکل بگیرد. نمی‌خواهم بگویم لوت به حال خود رها نشده، ولی نظارت جدی و کافی وجود ندارد و زبان و فهم مشترکی نیز حول مسائل بیابان لوت شکل نگرفته است. حجم زیادی از گردشگر و مسافر وارد لوت می‌شود، ولی به همین میزان، در آمد برای منطقه ایجاد نمی‌شود و تخریب هم وجود دارد.»

#### امان از گردشگران ایرانی

«کنار کلوت‌ها جای آتش روشن کردن، قلیان کشیدن و کباب درست کردن نیست! روی کلوت‌ها نباید یادگاری نوشت. با این کارها، کلوت‌ها دارد آسیب می‌بیند.» این را محمدحسین یزدان‌پناه، بخشدار شهداد می‌گوید. «بزرگ‌ترین مشکلی که در ارتباط با لوت وجود دارد، مشکلات زیست محیطی و تخریب‌های عمدی است. با گردشگران خارجی مشکلی نداریم، اما گردشگران ایرانی به حفظ طبیعت لوت توجهی ندارند. همان‌طور که روی آثار تاریخی یادگاری می‌نویسند، روی کلوت‌ها هم یادگاری می‌نویسند و اصلا توجه ندارند که این عارضه‌هایش از دو میلیون سال سن دارد. کنار کلوت‌ها آتش روشن می‌کنند، کباب درست می‌کنند و قلیان می‌کشند.» به گفته او بعد از ثبت جهانی، بخش شهداد فاز دوم رشد خود را آغاز کرده و ۴۰ واحد بوم‌گردی در این منطقه فعال شده و ۳۰ پرونده هم در نوبت صدور مجوز است. دو هتل سنتی و کبری با ۱۵۰ تخت هم در شهر شهداد در حال احداث است. اما اقامت، تنها یکی از نیازهای گردشگرانی است که به این منطقه سفر می‌کنند. خدمات گردشگری در شهداد بسیار ضعیف است و برای مشکلات محیط زیستی هم راه چاره‌ای اندیشیده نشده است.

## گزارش شهروند

شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۸۶۰ www.shahrvandonline.ir

#### نمی‌توانیم بیش از این کاری بکنیم

معین افضلی، مدیر پایگاه جهانی لوت در کرمان هم نگران است: «نگران آینده بیابان لوت هستیم. بزرگ‌ترین مشکل ما، هماهنگ نبودن دستگاه‌هایی است که در حوزه لوت وظیفه دارند. در چندسالی که مسئولیت پایگاه جهانی لوت را بر عهده داشتم، درباره مسائل مختلف این حوزه اطلاع‌رسانی کرده‌ام. هر جا که برادی بود سعی کردیم رفع کنیم. با وضع موجود به‌شدت نگران آینده لوت هستیم.» توضیحات افضلی گویای این است که امکانات و اعتبارات و نیروی کافی برای مدیریت عرصه ۴۰هزار کیلومتر مربعی ندارند. پایگاه لوت در کرمان با دو نفر نیرو و بدون هیچ امکاناتی دارد فعالیت می‌کند. دستگاه‌های مختلف در حوزه لوت وظیفه دارند که همکاری بین‌شان وجود ندارد. شورای راهبردی لوت قرار بود تشکیل شود تا همه را دور یک میز بنشانند. بارها و بارها در استان کرمان درخواست تشکیل این شورا را داده‌ایم، ولی توجهی نمی‌کنند. و همین جامی گویم که با این وضعیت زیرساخت‌ها و این کمبود امکانات و این سیل گردشگری که به‌سمت بیابان روانه است، اگر همه به کمک نیابند معلوم نیست چه اتفاقی در آینده بیفتد. ما دو، سه نفر در پایگاه لوت کرمان، درست است به‌اندازه کل دستگاه‌هایی که در لوت وظیفه دارند کار کرده‌ایم، اما از همین جا اعلام می‌کنم به‌عنوان پایگاه، با امکاناتی که الان داریم نمی‌توانیم بیش از این، کاری کنیم! اغراق نیست اگر بگویم بعد از ثبت جهانی، حجم گردشگران ۱۰ برابر قبل شده، من قبل از ثبت جهانی هم در حوزه لوت کار می‌کردم و می‌گویم امکانات مادر حوزه این بیابان نسبت به قبل تغییری نکرده است.» و باز هم تأکید می‌کند که سخت نگران آینده لوت است.

#### شرمندگی بیش‌روی میهمان

آینده لوت یعنی آینده چندصدهزار نفر آدمی که دل از مهاجرت کنده‌اند و دل خوش به وعده‌های رونق پساج جهانی شدن در زادگاه‌شان نشسته‌اند؛ در شهداد، اندوه‌گر د، خجهر، پشویه، کشیت، تکاب، ابارق، فهرج، بزم راور و … آینده لوت یعنی آینده همه این آدم‌ها، یعنی آینده امیر شفیع آبادی و شفیع آبادی‌های دیگر. امیر شفیع آبادی سی‌وهفت‌ساله است. سیکل دارد، اما هفت‌سال است بوم‌گردی‌ای را مدیریت می‌کند که واحد نمونه استانی هم شده و همین الان هم، به گفته خودش، بوم‌گردی‌اش تا خرده‌ماه ۹۹ رزرو است. بوم‌گردی گندم‌بریان در روستای شفیع‌آباد خیلی نزدیک به بیابان لوت است. او اما مدار خون دل می‌خورد تا چراغ این خانه روشن بماند. «ثبت جهانی لوت در این چندسال خیلی تأثیر خوبی بر کسب‌وکار ما گذاشته و پذیرش گردشگران خارجی خیلی خوب انجام می‌شود. هفت‌سال است این اقامت‌گاه را با ۵۰۰، ۵۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری راه‌اندازی کرده‌ام، ولی از آب و برق محروم و آب و برق اقامت‌گاهم را از طریق خانه یکی از همسایه‌ها که آنجا زندگی نمی‌کند، تأمین می‌کنم که همین هم پاشخکوی نیازم نیست. بارها و بارها از مسئولان خواسته‌ام به مشکل‌م رسیدگی کنند. وقتی بوم‌گردی نمونه استان شدم، رزم‌حسینی استاندار وقت کرمان از من پرسید چه درخواستی دارم؟ به‌اواز آب و برق گفته‌م خواستم! اشباع آب و برق به اقامت‌گاهم بدهند. گفت که تا دو هفته آینده مشکلت حل

می‌شود. از آن زمان، سه، چهارسال گذشته ولی من هنوز به این مشکل گرفتارم.»

در دلد‌های او ادامه دارد: «بوم‌گردی ما در منطقه بیشترین گردشگر خارجی را پذیرش می‌کند. وقتی توریست‌های آیندو جاذبه‌های عالی را در لوت می‌بینند، خوب نیست که در اقامت با کمبود امکانات روبه‌رو باشند. کاش مسئولان از ما حمایت می‌کردند. ما که کمک بلاعوض نمی‌خواهیم. فقط امکاناتی نیاز داریم

که پیش‌روی گردشگران شرم‌منده نشویم. الان گردشگران خارجی دارند اتاق رزرو می‌کنند. من ولی دلهره دارم که در گرمای هوا اگر نونوام اسپلیت را برایشان روشن کنم چه باید بکنم؟ وقتی آب و برقم مشکل دارد باید مدام جلوی گردشگران خم‌شوم و عذرخواهی کنم. من نمی‌خواهم این‌طور میزبانی باشم و حل این مشکل هم از عهده خودم به‌تنهایی بر نمی‌آید.»

او دلسوز دیگر اهالی منطقه و همکارانش است: «من با دل امیداین اقامت‌گاه را تأسیس کردم و سینه‌خیز جلو آمده‌ام و در کارم هم موفق شدم، ولی دوست دارم دیگر اهالی روستاهای این منطقه هم موفق بشوند. دوست دارم وقتی ظرفیت واحدم تکمیل است گردشگران به‌جای ترک شهداد، به دیگر اقامت‌گاه‌ها بروند. همه می‌گویند ۴۰ بوم‌گردی در منطقه تأسیس شده، ولی نهایت ۲۰ واحد آن فعال است چون با این هزینه‌ها، خیلی‌ها با مشکل برخورد کرده‌اند و نمی‌توانند کار کنند. کسانکی که تازه بوم‌گردی راه‌اندازی کرده‌اند واقعا به پشتیبانی نیاز دارند.» سه‌سال از جهانی شدن بیابان گذشته؛ شهرها و روستاها با صدای پای گردشگرها و اجنبیده و آبی زیر پوست منطقه دویده، اما واقعیت این است که لوت با این شرایط جدید، تنها مانده و این، همه چیزی است که این گزارش می‌خواست بگوید.